

Pathology of the Process of Selecting Military Ranks in Arabic Dictionaries

Fatemeh Zarei 

Ph.D. Student in Arabic Language and Literature,
Kharazmi University, Tehran, Iran

Ali Afzali * 

Associate Professor, Department of Arabic Language
and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran

Shahriar Niazi 

Associate Professor, Department of Arabic Language
and Literature, University of Tehran, Tehran, Iran

Abstract


One of the problems for translators is the adaptation to military ranks. The difficulty of a translator is doubled when the number of military ranks in the source and target languages is not the same; as a result, these terms remain unequal in one of the two languages, because there are differences in the military structure of the armed forces of countries that ignoring them can create problems for translators. After describing Iran's military ranks and comparing it with Arab countries, the present study examines general and specialized dictionaries and investigates how to find their equivalence, using a descriptive-analytical and comparative method. The results indicate that most of the general dictionaries did not have sufficient knowledge of specialized fields and did not study the terms of this field carefully and specialized dictionaries could not be equivalent due to the fact that they were written by military people and had no information about the structure of Arab countries. The best way to choose an equivalent for the terms of military ranks is "equivalent selection after recognizing the pattern of military ranks of Iran and Arab countries.


Keywords: Equivalence, Military Ranks, Specialized Dictionaries, News Media.


* Corresponding Author: ali.afzali@ut.ac.ir

How to Cite: Zarei, F., Afzali, A., Niazi, Sh. (2021). Pathology of the Process of Selecting Military Ranks in Arabic Dictionaries. *Translation Researches in the Arabic Language and Literature*, 11(25), 99-124. doi: 10.22054/RCTALL.2022.67569.1620.

آسیب‌شناسی فرآیند واژه‌گزینی درجات نظامی در واژه‌نامه‌های عربی

فاطمه زارعی  دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

علی افزلی*  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

شهربار نیازی  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

از جمله معضلات پیش روی مترجمان، تطبیق درجات نظامی است و دشواری کار مترجم زمانی دو چندان می‌شود که تعداد درجات نظامی زبان مبدأ و مقصد یکسان نباشد؛ در نتیجه این اصطلاحات در یکی از دو زبان بدون معادل باقی می‌ماند؛ زیرا تفاوت‌هایی در ساختار نظامی نیروهای مسلح کشورها به چشم می‌خورد که نادیده انگاشتن آن می‌تواند مشکلاتی را برای مترجمان پدید آورد. پژوهش حاضر پس از شرح درجات نظامی ایران و مقایسه آن با کشورهای عربی به بررسی واژه‌نامه‌های عمومی و تخصصی و چگونگی معادل‌یابی آنان با روشی توصیفی-تحلیلی و تطبیقی می‌پردازد. نتایج حاکی از آن است که اغلب واژه‌نامه‌های عمومی دانش کافی از حیطه‌های تخصصی نداشته و اصطلاحات این حوزه را با دقت نظر مورد بررسی قرار نداده و فرهنگ‌لغت‌های تخصصی نیز با توجه به اینکه نگارنده آن افراد نظامی بودند و اطلاعاتی از ساختار کشورهای عربی نداشتند، نتوانستند معادل دقیقی از درجات ارائه کنند. بهترین شیوه گزینش معادل برای اصطلاحات درجات نظامی «معادل‌گزینی پس از شناخت الگوی درجات نظامی ایران و کشورهای عربی» است.

کلیدواژه‌ها: معادل‌یابی، درجات نظامی، واژه‌نامه‌های تخصصی، رسانه‌های خبری.

مقدمه

پدیده پویای ترجمه به عنوان یک رشته به نسبت نوپا و جوان یکی از راه‌های ارتباطی بسیار مهم با فرهنگ‌های بیگانه و ناشناخته به شمار می‌رود و نقش بسزایی در افزایش گستره دانش زبانی مترجمان و آشنایی بیشتر آنان با واژگان و اصطلاحات زبان دوم داشته که موجب کسب تجربه و نوآوری در زمینه‌ی واژه‌گزینی، معادل‌یابی و معادل‌سازی اصطلاحات حوزه تخصص مترجم می‌شود.

زبان عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد (الموقع الرسمي للأمم المتحدة) و زبان دینی ۲۴/۹ جمعیت جهان در سال ۲۰۲۰ است (Hacket, et la : 2015). مترجمان این زبان از سده دوم هجری، تاریخ درخشانی را برای شکل‌گیری فرآیند ترجمه انواع متون رقم زده‌اند، اما این رشته همواره نیازمند دقت نظر و بررسی انواع اصطلاحات علمی به صورت تخصصی‌تر و نظام‌مند و مقایسه آن با زبانی است که ریشه‌ی واژگانی نزدیک به عربی دارد، اما از لحاظ ساختارهای اداری- سازمانی با یکدیگر متفاوت‌اند.

مغایرت فرهنگی و تمدن موجود میان این دو زبان، تأثیر کشورهای بیگانه بر چگونه سخن گفتن و برقراری ارتباط ملت و سطح اندیشه‌های افشار مختلف جامعه، تفاوت‌های چشمگیر در ساختار سیاسی، دفاعی و امنیتی زبان فارسی و عربی، یکسان نبودن اصطلاحات مرتبط با سازمان‌ها و نهادهای اداری در کشورهای عرب‌زبان به طور کامل و افتراقات آن با ایران و در برخی مواقع، خلأ معنایی و عدم وجود یک عنصر معنایی در زبان مبدأ یا مقصد موجب شده تا ترجمه این اصطلاحات و چگونگی معادل‌یابی یا معادل‌سازی آن به یک چالش بزرگ برای مترجم تبدیل شود.

هم‌اکنون بسیاری از مترجمان در سرتاسر جهان مشغول به ترجمه بوده بدون آنکه مطالعه، تحصیلات یا پیشینه خاصی در این زمینه داشته باشند؛ بدیهی است که یک مترجم حقیقی باید به اهمیت و حساسیت نقش خود در انتقال یک فرهنگ متفاوت به مردم یک کشور واقف بوده و بدین نکته توجه داشته باشد که ترجمه نیز مانند تمامی رشته‌های مطالعاتی نوپای جهان نیازمند استمداد جستن از سایر رشته‌ها و گرایش‌های دیگر بوده و هیچ مترجمی نمی‌تواند تنها با تکیه بر شم و تجربیات خود در تمامی حیطه‌ها دانش و اطلاعات کافی داشته باشد. بنابراین، بهتر است که براساس علاقه و تمایل خود، حوزه مشخصی را برگزیند و اطلاعات خود را در آن حوزه ارتقا دهد. بدین ترتیب مترجمان متخصصی تربیت خواهند شد

که علاوه بر دانش و مهارت‌های زبانی در زبان مادری و زبان هدف در حیطه موردنظر خود خبره و ماهر شده و در نتیجه با ادامه این روند چندین مترجم کاردان، مجرب و حاذق در رشته‌ها و تخصص‌های گوناگون جایگزین یک مترجم ناشی و مبتدی در همه زمینه‌ها می‌شوند.

مبحث عدم تطابق و تعادل واژه‌ها و اصطلاحات اداری و رسمی همواره برای مترجمان این حوزه یک معضل غیرقابل حل بوده است؛ این امر در اصطلاحات حوزه دفاعی نمود بیشتری پیدا می‌کند، زیرا بنا بر حساسیت شغلی افراد وابسته به نیروهای مسلح باید ترجمه و معادل دقیق و درستی از واژگان دارای بار امنیتی به مخاطب ارائه کرد. اصطلاحات «درجات نظامی» نیز از این قاعده مستثنی نیست و سبب آن است که تفاوت‌هایی اگرچه اندک در ساختار سیاسی - نظامی ایران در مقایسه با کشورهای عربی وجود دارد. از این رو، شیوه معادلیابی درست همراه با تحلیل و بررسی برای این فرآیند می‌تواند به مترجمان تخصصی عربی در مشکل عدم همسانی تعداد درجات ایران و هر کشور عربی به صورت مجزا کمک بسیاری کند.

۱. پرسش‌های پژوهش

با توجه به اینکه حوزه دفاعی و به‌ویژه مبحث معادلیابی و معادل‌سازی برای اصطلاحات درجات نظامی کشورهای عربی، بخش جدایی‌ناپذیر تاریخ دیپلماسی - دفاعی کشور ماست و هیچ کتاب یا پژوهشی به صورت تخصصی و تحلیلی به این موضوع نپرداخته است، پرسش‌های ذیل دغدغه جستار حاضر است:

- مشکلات ترجمه اصطلاحات نظامی از عربی به فارسی یا برعکس چیست؟
- چگونه می‌توان برای مفاهیم و اصطلاحات نظامی بدون معادل یا دارای یک معادل کاملاً متفاوت در زبان هدف معادلی برگزید؟

۲. فرضیه‌های پژوهش

- با بررسی و تطبیق ساختار سیاسی - دفاعی کشورهای عربی و کشور ایران، افتراقات بسیار زیادی به چشم می‌خورد که هر یک فقط از این مصادیق در شناخت زبان و فرهنگ آن کشور قابل درک بوده و برای بیان، برگردان و معادلیابی آن به زبانی دیگر با مشکل مواجه هستیم. بسیاری از عناصر زبانی از جمله اسامی سازمان‌ها را نمی‌توان به صورت تحت‌اللفظی

ترجمه کرد؛ زیرا برای مخاطب غیرقابل درک خواهد بود، اما می‌توان پس از بررسی و تحلیل جایگاه این ساختارها و سازمان‌ها در فرهنگ دو زبان برای آن معادل‌هایی مناسب یافت. یکی از مشکلات مترجمان در ترجمه اصطلاحات ساختار نظامی، عدم وجود معادل برای اصطلاحات تخصصی و به‌ویژه تعابیر دفاعی است. به نظر می‌رسد هنگام برخورد به چنین واژگانی می‌توان با دقت نظر در زبان هدف و در نظر گرفتن سطح علمی مخاطب، واژه‌ای یافت که معادل تقریبی کلمه زبان مبدأ است. همچنین شاید بتوان به ترجمه تحت‌اللفظی آن واژه پرداخت و در ادامه، آن واژه را شرح داده و به عدم وجود معادل مناسب در زبان مقصد اشاره کرد.

۳. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های بسیاری در حوزه معادل‌گزینی اصطلاحات در علوم گوناگون بررسی و انجام شده است که به صورت خلاصه به مهم‌ترین آن‌ها در ادامه اشاره می‌شود. منصوری (۱۳۸۶) در پژوهش خود با عنوان «معادل‌یابی واژگانی در ترجمه از منظر نشانه‌شناسی» ضمن معرفی به تحلیل چند صورت از وضعیت‌های ترجمه می‌پردازد که مترجم در آن با ترجمه دو زبان مواجه نیست، بلکه با منظر نشانه‌شناسی در ترجمه تصاویر صوتی دو زبان و تقابل این دو روبه‌رو است.

دیگر پژوهشی که در این حوزه به انجام رسیده است «جستاری در فرآیند معادل‌یابی ساختارهای قسم در ترجمه قرآن» به قلم خجسته و مسبوق (۱۴۰۰) است که در آن ضمن بهره‌گیری تفاسیر مختلف به بررسی معادل‌یابی ساختارهای «قسم» در سوره‌های مبارکه قلم، حاقه، مدثر، مرسلات، تین و یاسین و نقد ترجمه فیض‌الاسلام، مشکینی، خرمشاهی، رضایی اصفهانی و معزی می‌پردازد.

پژوهش «بررسی فرآیندهای واژگانی اصطلاح‌ها و واژگان تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی» به نگارش احمدی‌نسب و ارسطوپور (۱۳۹۳)، ۱۵۱۰ واژه تخصصی فارسی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی را به صورت مقابله‌ای و با معادل‌های انگلیسی مورد بررسی قرار داد و به این نتیجه دست یافت که فرآیندهای واژه‌گزینی زبان فارسی در این حوزه را گروه نحوی با ۷۷/۲۱ درصد، واژه‌سازی ۱۸/۱۴ درصد، وام‌گیری با ۲/۹۸ درصد و هم‌پایگی با ۱/۵۸ درصد تشکیل می‌دهد و اختصارسازی سهم اندکی در واژه‌سازی فارسی دارد.

صیادانی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود با نام «چالش‌های معادل‌یابی اصطلاحات ساختار و ساختارگرایی در قاموس‌های لغوی و پژوهش‌های نوین عربی» به معادل‌یابی دو واژه در زبان عربی پرداخته و معادل‌گزینی معجم‌نویسان و زبان‌شناسان عربی در برگردان این واژگان به اصطلاحاتی چون «البنیویة، البنیویة، البنائیة، البنویة، البنیانیة، الهیکلیة، التریکییة و...» را مورد نقد و بررسی قرار داده‌اند و سپس صحت و سقم هر یک از موارد اشاره شده را در پژوهش‌های زبان‌شناسی تأیید یا رد کرده‌اند.

۴. دیدگاه زبان‌شناسان درباره معادل‌یابی

با بیش از دو دهه تلاش‌های بی‌شمار و بی‌وقفه‌ای که در زمینه شناساندن ماهیت «تبادل» شکل گرفت، می‌توان به تلاش یوجین نایدا^۱ برای تعریف مفاهیم تبادل صوری و پویا در کتاب مقدس و یا معرفی مفاهیم ترجمه ارتباطی و ترجمه معنایی توسط پیتر نیومارک^۲ و تطابق و تبادل از دیدگاه ورنر کولر^۳ اشاره کرد. کتفورد^۴ (۱۹۶۵) نیز معتقد است ترجمه به معنای «جایگزینی پیام متن مبدأ با معادل آن در متن زبان هدف» است. در واقع او با ارائه این تعریف در توضیح دو اصطلاح «پیام متن» و «مبادل» بیان می‌کند: کاربرد اصطلاح «پیام متن» در این تعریف، نشان‌گر این واقعیت است که همیشه و در همه حال محتویات متن مبدأ جزء به جزء به زبان مقصد منتقل نمی‌شود، بلکه باید پس از یافتن معادل‌های زبان مقصد با آن جایگزین شود. به عقیده وی، اصلی‌ترین مسأله در فرآیند ترجمه، معادل‌یابی در زبان هدف است. از دیدگاه کتفورد، میان «تبادل متنی» و «تطابق» یا «تناظر صوری» تفاوت‌های بسیار آشکاری وجود دارد.

به گفته نایدا و تیرر^۵ (۱۹۶۹) در گذشته مترجمان، تطابق صوری را بر تبادل پویا برتر می‌دانستند و بر این بودند که ویژگی‌های صوری زبان مبدأ را به زبان مقصد منتقل کنند و همین بر غیرطبیعی بودن متن می‌افزود، اما امروزه مترجمان باید از متن خود ترجمه‌ای پویا، مفهوم و مطابق ساختارهای دستوری زبان هدف ارائه کنند.

-
1. Nida, E.
 2. Newmark, P.
 3. Koller, W.
 4. Catford, J. C.
 5. Nida, E & Taber, C. R.

از نظر وینی و داربلنه^۱، تعادل به معنای درک و شناخت واژگان زبان مبدأ و خلق مجدد متن با استفاده از کلمات به ظاهر متفاوت، اما یکسان از لحاظ معنایی است (حری، ۱۳۹۱). یاکوبسن^۲ مفهوم به نسبت متفاوت تری را از تعادل مطرح می‌کند. وی با بیان اینکه «هیچ شناختی بدون توجه به علائم و شواهد موجود ایجاد نخواهد شد» ترجمه را به سه دسته تقسیم می‌کند:

الف- درون‌زبانی: درک و تفسیر یک عنصر معنایی با ذکر یک واژه دیگر در همان زبان.
ب- بین‌زبانی: برگردان اصطلاحات و واژگان در یک زبان با علائم و نشانه‌های زبانی زبان دوم.

ج- بین‌نشانه‌ای: تغییر و تبدیل علائم رمزی و رساندن پیام به وسیله نظامی دیگر (مثلاً تبدیل یک رمان به فیلم‌نامه). در حقیقت یاکوبسن تأکید می‌کند نباید مترجم همواره در لزوم به کارگیری نظریات زبان‌شناسی، خود و عمل خویش را محدود کرده و به متن خلل وارد کند، بلکه باید تمامی تلاش خود را به کار گیرد و با استفاده از راهکارهای دیگری مانند ترجمه قرضی، نوواژه‌ها و... استفاده کند. وی به اصطلاح «ترجمه ناپذیری» اعتقادی ندارد و معتقد است که فرآیند ترجمه بستگی به هوش و ذکاوت مترجم دارد و روش مناسب و استراتژی‌هایی که برای انتقال پیام به خواننده برمی‌گزیند (Jacobson, 1959).

پیتر نیومارک بر این نظر است که در یک ترجمه ارتباطی، مترجم باید تلاش کند ترجمه‌ای به خواننده ارائه کند که همان تأثیر متن اصلی را بر آنان بگذارد و در مقابل ترجمه معنایی باید سعی بر این باشد تا ساختارهای معنایی و نحوی زبان مقصد را حتی الامکان با بافتار متن اصلی در نزدیک‌ترین معادل به خواننده ارائه دهد. نیومارک بر این باور تأکید دارد که ترجمه ارتباطی فقط برای خوانندگان زبان مقصد آماده می‌شود، اما در ترجمه معنایی، فرهنگ زبان اصلی حفظ شده و فقط معانی ضمنی که متشکل از اساس پیام متن اصلی است به خواننده عرضه می‌شود (نیومارک، ۱۳۷۲).

۵. درجه نظامی

به رتبه یا سطح مقام یک فرد نظامی که مشخص‌کننده جایگاه سازمانی هر فرد نظامی نسبت به دیگری است و براساس آن مسئولیت‌ها و وظایف خاصی به آنان محول می‌شود در

1. Vina, J. P. & Darbelnet, J.

2. Jacobson, R.

اصطلاح فارسی «درجه نظامی» و در عربی «رتبه عسکرية» گفته می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶). درجه هر فرد در واقع نشان افتخاری است که روی پیراهن فرم نظامی آنان نصب شده و به وسیله آن افراد می‌توانند به سازمان‌های نظامی مشخصی راه پیدا کنند.

به دلیل اینکه هر کشور عربی، الگوی درجات نظامی خود را اغلب از کشورهای اروپایی گرفته‌اند، نام‌ها و حتی تعداد یا نشان این درجات در هر کشور عربی با کشور همسایه تفاوت‌هایی هرچند اندک دارد. به عنوان نمونه، با مقایسه درجات کشورهای عربی چون اردن و عمان درمی‌یابیم که الگوی درجات خود را از انگلستان، عربستان سعودی و بحرین از آمریکا، سوریه، لیبی و عراق قدیم از روسیه و بالاخره قطر و لبنان از فرانسه وام گرفته‌اند؛ به همین دلیل تا پیش از سال ۱۹۵۰ این کشورها دارای ساختار نظامی یکپارچه‌ای نبودند، اما با امضای توافق‌نامه‌ای، این کشورهای عرب زبان بر این شدند که اصطلاحات نظامی معیاری را به ویژه در خصوص درجات مشخص کنند تا تمامی کشورها از آن استفاده کنند (أبوبکرالزیدانی، ۲۰۱۴).

با وجود اینکه بیشتر کشورهای عربی درصدد یکسان‌سازی درجات خود طبق استاندارد و عرف جوامع عرب‌زبان بودند، اما پیوسته تفاوت‌های جزئی در ساختار، سلسله‌بندی و تعداد درجات آنان به چشم می‌خورد که دشواری کار مترجمان را دوچندان کرده است. در واقع برای معادل‌یابی درجات هر کشور عربی باید الگوی درجات آن را به صورت مجزا با درجات فارسی مقایسه کرد و به هیچ وجه مقایسه درجات ایران با یک کشور عربی خاص و نتیجه‌گیری کلی ممکن نیست؛ چراکه با مقایسه تعداد درجات کشور ایران با هر کشور عربی به صورت جداگانه این تفاوت به روشنی نمایان می‌شود. برای نمونه، کشور ایران دارای ۲۱ درجه است درحالی‌که تعداد درجات عربستان و الجزایر ۱۷، لبنان و مصر ۱۸ و عراق ۱۶ است.

۵-۱. درجه‌بندی‌های نظامی

درجه‌بندی نظامی یک الگوی منظم برای تشخیص سلسله‌مراتب نیروهای مسلح بوده و دارای پنج طیف است: درجه سربازی، درجه‌داران یا مدرجین، افسران جزء، افسران ارشد و امیران یا سرداران.

۵-۱-۱. سربازان

اولین و پایین‌ترین درجه نظامی هر کشور، سرباز است؛ طیف سربازی به درجات «سرباز، سرباز دو، سرباز یک و سرجوخه» اطلاق می‌شود؛ این لقب شامل درجه‌دارانی است که درجه آن‌ها روی بازو نصب می‌شود (کامگاری، ۱۳۹۵). معادل درجه سربازی در نیروی دریایی اصطلاح «ناوی» است.

درجات سربازی در کشورهای سوریه، الجزایر یا لبنان یک مرحله‌ای بوده و درجه سرباز دومی یا یکمی در ارتش این کشورها وجود ندارد درحالی‌که در کشورهای چون عراق و عربستان دو مرحله دارد: «جندی و جندی اول»؛ بنابراین، درجه سرباز دومی به معنای جندی ثان در هیچ کشور عربی وجود ندارد. مشکل مترجم در عربی‌سازی درجه سرباز دومی است که در هیچ کشور عربی وجود ندارد. با نگاه به واژه‌نامه‌های مؤلفان فارسی‌زبان مشخص می‌شود که هیچ‌یک از این کتب برای اصطلاح سرباز دومی که یکی از درجات اصلی طیف سربازان در ایران به‌شمار می‌رود، معادلی بیان نکرده است؛ در چنین مواقعی مترجم ناگزیر است معادلی تقریبی برای اصطلاح مربوطه ارائه کند که براساس ساختار دفاعی کشور مقصد بتواند درک نسبی از مقصود خود را به مخاطبین خود القا کند. از آنجایی که در الگوی درجات عربی درجه «جندی» وجود دارد، مترجم می‌تواند با معادل‌سازی آن به‌صورت ترکیب «جندی ثان» تصویری از مرتبه این درجه را در ذهن مخاطب خود ایجاد کرده و به وی تفاوت درجات دو کشور را نیز به روشنی نشان دهد.

یکی دیگر از چالش‌هایی که متوجه مترجمان است، معادل‌گزینی برای درجه سرجوخه است؛ این درجه در ترتیب درجات پرسنل نظامی یک درجه بالاتر از سرباز یکم بوده و هم‌تراز این درجه در نیروی دریایی «سرنای» و در سپاه پاسداران، «رزم‌یار» است (رستمی، ۱۳۸۶). معادل این درجه با توجه به الگوی درجات در هر کشور عربی «عریف» یا «نائب عریف» است.

۵-۱-۲. درجه‌داران

پس از سربازان وارد طیف مدرجین یا درجه‌داران می‌شویم. درجات این طیف به ترتیب عبارتند از «گروهان سوم، گروهان دوم، گروهان یکم، استوار دوم و استوار یکم». درجه گروهانی در هر کشور عربی تقریباً معادل متفاوتی با سایر کشورهای عربی دارد؛ مثلاً معادل

این درجه در کشور سوریه، «رقیب و رقیب أول» است حال آنکه این درجه در عربستان سعودی «وکیل رقیب و رقیب أول» نام دارد. در کشور عراق اصلاً واژه «رقیب» به معنای گروهان وجود ندارد، بلکه پس از درجات سربازی، «نائب عریف»، «عریف» و «رئیس عرفاء» موجود است. درجه «استواری» نیز در بیشتر کشورهای عربی بجز سوریه و لبنان معادلی ندارد؛ معادل این درجه در سوریه «مساعد» و در لبنان «مُوَهِّل» است. به درجات گروهبانی در سپاه پاسداران لفظ «رزم‌آور» و در نیروی دریایی لفظ «مهندوی» اطلاق می‌شود.

۳-۱-۵. افسران جزء

پایین‌ترین رده افسری، افسران جزء و پایین‌ترین درجه، افسری جزء است (کامگاری، ۱۳۹۵). درجات این رده، ستوان سوم، ستوان دوم، ستوان یکم و سروان است. معادل درجات ستوانی در نیروی دریایی «ناویان» و در سپاه پاسداران «ستوان پاسدار» و معادل درجه سروانی در سپاه پاسداران «سروان پاسدار» و در نیروی دریایی «ناو سروان» است.

نیروهای مسلح عربی یک درجه ستوانی کمتر از ایران دارند و پس از «ملازم» که عموماً معادل پایین‌ترین درجه ستوانی است، درجه «ملازم أول» و سپس «نقیب» به معنای سروان و با معادل سروان پاسدار در سپاه پاسداران و ناوسروان در نیروی دریایی قرار دارد؛ در حقیقت طیف افسری جزء در کشورهای عربی مطابق الگوی کشورهای غربی دارای سه درجه «ملازم»، «ملازم أول» و «نقیب» است، اما این طیف در کشور ایران چهار درجه را دربر می‌گیرد؛ از این رو، ایران تنها کشوری است که نشان درجه سروانی چهار ستاره روی سر شانه فرد است؛ این در حالی است که این نشان در کشورهای عربی سه ستاره است. به همین دلیل مترجم برای برگردان این درجه به فارسی مشکل چندانی نداشته، اما به دلیل کمبود یک درجه در رده ستوان‌ها، می‌توان با معادل‌سازی ترکیب «ملازم ثان» برای درجه ستوان دوم، آن را یک معادل تقریبی مناسب و قابل درک برای مخاطب عرب زبان دانست.

۴-۱-۵. افسران ارشد

پس از افسری جزء، طیف افسری ارشد قرار دارد. به نماد درجه افسران ارشد در اصطلاح «قبه» گفته می‌شود. طیف درجات افسری ارشد عبارتند از: «سرگرد، سرهنگ دوم و سرهنگ». هم‌تراز درجه سرگردی در نیروی دریایی «ناخدا سوم» و در سپاه پاسداران

«سرگرد پاسدار» و معادل لاتین میجر^۱ است. درجه سرهنگ دومی نیز در سپاه پاسداران «سرهنگ دوم پاسدار» و در نیروی دریایی «ناخدا دوم» نام دارد. معادل درجه سرهنگی در سپاه پاسداران «سرهنگ پاسدار» و در نیروی دریایی «ناخدا یکم» است (کامگاری، ۱۳۹۵). باید توجه داشت که مطابق الگوی درجات ایران و در طیف افسران ارشد، دو درجه سرهنگ دومی و پس از آن سرهنگ تمامی از یک درجه هم نام، اما دو رتبه مجزا تشکیل شده است؛ این در حالی است که الگوی درجات افسران ارشد عربی اینگونه نیست. در واقع در زبان عربی و در طیف افسری ارشد، درجه‌ای وجود دارد که در الگوی درجات ایرانی یافت نمی‌شود و آن درجه مقدم است. به بیان ساده‌تر، اگر قرار بود برای این دو درجه، سرهنگ دومی و سرهنگ تمامی -با در نظر داشت اینکه معادل سرهنگ، «عقید» است، معادل‌یابی می‌کردیم، طبیعتاً باید برای درجه سرهنگ دومی معادل «عقید ثان» را در نظر می‌گرفتیم، اما از آنجایی که در الگوی درجات عربی درجه «مقدم» وجود دارد که کاملاً با الگوی درجات ایران متفاوت است، ناگزیر باید برای درجه مقدم، معادل سرهنگ دومی را در نظر بگیریم.

۵-۱-۵. امیران / اُمرا

پس از طیف افسران ارشد، وارد آخرین و بالاترین طیف درجات می‌شویم. واژه «امیر» لقبی است در ارتش جمهوری اسلامی به دارندگان درجه بالاتر از سرهنگ که دوره دافوس (مخفف دانشگاه فرماندهی و ستاد) را گذرانده باشند. معادل این لقب در سپاه پاسداران و نیروی انتظامی «سردار» است (کامگاری، ۱۳۹۵). باید در نظر گرفت که طیف امیران معادل «ژنرال» نیروی زمینی و هوایی و «آدمیرال»^۲ نیروی دریایی کشورهای غربی است که عموماً مهم‌ترین بخش درجات از حیث ترجمه به‌شمار می‌روند.

درجه «سرتیپ دوم» ی پایین‌ترین درجه طیف امیران ارتش است که تنها در الگوی درجات جمهوری اسلامی ایران وجود دارد و طیف ژنرال‌های ارتش دیگر کشورها از درجه سرتیپی آغاز می‌شود. معادل درجه سرتیپ دومی در سپاه پاسداران «سرتیپ دوم پاسدار» و در نیروی دریایی ارتش «دریادار دوم» است (رستمی، ۱۳۸۶).

1. Major
2. Admiral

نکته قابل تأمل این است که در ارتش ایران، ترفیع افسران به درجات «سرتیپ دوم» و درجات بالاتر براساس «لیاقت» و طبق نظر مقامات ارشد نظامی امکان‌پذیر است. در ارتش ایران افسرانی موفق به اخذ این درجه می‌شوند که دوره‌های مقدماتی و عالی ارتش را طی کرده باشند و دوره «دافوس» را نیز با موفقیت پشت سر گذاشته باشند.

درجه «آدمیرال» یا «آمیرال» در نیروی دریایی نیز به افسران نیروی دریایی از دریادار دومی به بالا اطلاق می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶).

مشکلی که غالباً گریبان‌گیر مترجمان این حوزه است، عدم تساوی درجات امیری یا به معنای عام عدم تساوی و تقارن سلسله مراتب درجات کشور ایران با کشورهای عربی است؛ چراکه طیف افسری جزء و امیران کشور ایران یک درجه از کشورهای عربی بیشتر داشته و به همین دلیل بالاترین درجه فرماندهان ایران در حال حاضر سرلشکر است و فرماندهی در ایران وجود ندارد که بالاتر از درجه سرلشکری داشته باشد، اما کشورهای عربی فرماندهانی با درجه ارتشبدی یا حتی درجه بالاتر از ارتشبد را دارند.

برای درک بهتر، جمله‌ای از کتاب آموزشی فرهنگ اصطلاحات سیاسی، دیپلماتیک و نظامی به همراه ترجمه پیشنهادی مترجم ارائه می‌شود:

– سرلشکر: درجه‌ای در ترتیب درجات نظامی که بالاتر از «سرتیپ» و پایین‌تر از «سپهبد» است. معادل این درجه در سپاه پاسداران «سرلشکر پاسدار» و در نیروی دریایی «دریابان» است (همان: ۵۴).

این درجه در جمهوری اسلامی ایران در حال حاضر بالاترین درجه‌ای است که به یک نظامی اعطاء شده است و با وجود اینکه دو درجه سپهبدی و ارتشبدی در سلسله مراتب نظامی ایران وجود دارد، اما هنوز شخصی وجود ندارد که به این درجه نائل شده باشد. سبب این امر آن است که فرماندهی با درجه «سپهبد» حق دخالت در تمام امور فرماندهان زیرمجموعه خود را دارد که نشانگر حیطة گسترده اختیارات یک سپهبد است. البته باید توجه داشت که سپهبد نمی‌تواند فرماندهان را عزل و یا نصب کند. اما درجه «ارتشبد» علاوه بر حدود اختیارات سپهبدی می‌تواند تمامی فرماندهان کل را عزل و نصب کند. این در حالی است که سرلشگر از این اختیارات برخوردار نیست.

- سپهبد: عنوان درجه‌ای در ترتیب درجات پرسنل نظامی در نیروهای مسلح که یک درجه از «سرلشکر» بالاتر است. معادل این درجه در سپاه پاسداران «سپهبد پاسدار» و در نیروی دریایی «دریا سالار» و هم‌تراز «ژنرال سه ستاره»^۱ در ارتش آمریکا است (رستمی، ۱۳۸۶).

- ارتشبد: عالی‌ترین درجه ارتش جمهوری اسلامی ایران که یک درجه از «سپهبدی» بالاتر است. معادل این درجه در سپاه پاسداران «ارتشبد پاسدار» و در نیروی دریایی «دریابد» و هم‌تراز «ژنرال چهار ستاره»^۲ در بسیاری از کشورهای دیگر است (همان). پس از درجه ژنرال (چهار ستاره) یک درجه دیگر به نام «فیلد مارشال»^۳ در کشورهای جهان نیز وجود دارد، اما در ارتش فعلی ایران معادلی برای این درجه وجود ندارد (کامگاری، ۱۳۹۵).

باید توجه داشت به دلیل اینکه در درجات کشورهای عربی یک درجه دیگر پس از «فریق اول» وجود دارد، بسیاری از مترجمان در معادل‌یابی درجات به اشتباه افتاده‌اند. پس از درجه «فریق اول»، «مشیر» بالاترین درجه در ارتش‌های مدرن است. درجه «مشیر» یک درجه افتخاری بوده که براساس ساختار دفاعی و معیار نظامی هر کشور به فرمانده‌ای اعطا می‌شود که در نبردهای مهم حضور داشته و با رشادتها و دلاوری‌های خود مقابل دشمن، ارتش سرزمین خود را از شکست قطعی به یک پیروزی دست‌نیافتنی رسانیده باشد؛ به همین دلیل در جهان تعداد اندکی فرمانده با این درجه وجود دارند که ۵۰ نفر آنان از کشورهای عربی هستند. معادل این درجه در انگلستان و استرالیا «فیلد مارشال» و در آمریکا «ژنرال ۵ ستاره» بوده و کشور آلمان با تلفیق دو اصطلاح یاد شده «ژنرال فیلد مارشال» آن را بالاتر از درجه ژنرال (ارتشبد) در نظر گرفته است؛ این در حالی است که در کشورهای عربی نیز اختلاف‌هایی برای معادل‌یابی «المشیر» به چشم می‌خورد؛ برای نمونه در کشور عراق معادل این درجه «مهیّب»، در سوریه «فریق» و در مغرب عربی «مرشال» است که از واژه نورمانی-فرانسوی گرفته شده است. بالاترین درجه کشور سوریه، «فریق» و پیش از آن «عماد اول» و «عماد» است؛ معمولاً دارنده این درجه، ریاست جمهوری کشور (از جمله بشار الأسد) یا همان فرمانده نیروهای مشترک است.

1. Lieutenant General
2. General
3. Field Marshal

۶. بررسی معادل‌یابی درجات نظامی در واژه‌نامه‌ها

اکنون قصد داریم اصطلاحات درجات ارتش کشورهای عربی را در برخی واژه‌نامه‌های عربی به فارسی بررسی کرده و با واژه‌نامه‌های نظامی مطابقت دهیم. داده‌های پژوهش حاضر مشتمل بر بررسی پنج فرهنگ عمومی عربی به فارسی^۱ و بررسی پنج فرهنگ تخصصی نظامی است.

۶-۱. بررسی معادل‌یابی واژه‌نامه‌های عمومی

جدول (۱)، اصطلاحات معادل‌یابی شده درجات نظامی در واژه‌نامه‌های عمومی است. مؤلفان این واژه‌نامه‌ها همگی معضل تعادل درجات نظامی را به‌خوبی درک کرده و هر کدام به‌شیوه‌ای تلاش کردند که این مشکل نه چندان ساده را به‌گونه‌ای حل کنند. برای نمونه آذرنوش و قیم با بیان معادل فارسی این اصطلاحات توضیحی درباره اینکه این درجه در هر کشور دارای معادلی مجزاست به مخاطب ارائه کرده‌اند و حتی فرهنگ آذرنوش برای درجاتی که کاملاً با درجات ارتش ایران هم‌ترازی ندارند، معادل تقریبی بیان کرده و از ارائه معادل دقیق پرهیز کرده است.

۱. از فرهنگ‌های عمومی زیر برای بررسی استفاده شده است:

- فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تألیف آذرتاش آذرنوش
- فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تألیف عبدالنبی قیم، نویسنده، پژوهشگر و فرهنگ‌نویس اهوازی
- فرهنگ اصطلاحات معاصر، تألیف نجف‌علی میرزایی
- فرهنگ دو جلدی مترجم، تألیف محمدحسین باتمان قلیچ
- فرهنگ نوین عربی- فارسی، اثر سید مصطفی طباطبایی که ترجمه اصطلاحات وارده بر القاموس العصری تألیف الیاس آنتوان الیاس است. علت انتخاب این واژه‌نامه برای بررسی این است که این اثر سال ۱۳۴۸ به چاپ رسیده و به خوبی سیر تحول معادل‌یابی در آن مشهود است.

جدول ۱. اصطلاحات معادل‌یابی شده درجات نظامی در واژه‌نامه‌های عمومی

فرهنگ نوین	فرهنگ اصطلاحات معاصر	فرهنگ قیم	فرهنگ آذرنوش	واژه‌نامه‌ها و اصطلاحات
—	فیلد مارشال/ مارشال پنج ستاره (درجه) بالاتر از ارتشبد که در ارتش ایران نیست (= مهیب)	سپهبد/ مارشال/ ارتشبد	مارشال/ سپهبد	مشیر
—	ارتشبد	ارتشبد	سرتیپ	فریق اول
—	—	—	—	فریق اول بحری
سرلشکر	سپهبد	سپهبد/ ژنرال/ سرلشکر	سرلشکر	فریق
—	دریاسالار/ آدمیرال/ امیرالبحر	—	—	فریق بحری
—	سرلشکر	سرلشکر	سرلشکر/ دریادار	لواء
—	دریادار	—	دریادار	لواء بحری
سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ/ ناخدا یکم ارشد	عمید
—	در سیستم درجات فعلی ایران: دریادار	—	ناخدا یکم ارشد	عمید بحری
نایب سرهنک	سرهنک تمام	سرهنک	سرهنک/ فرمانده لشکر/ ناخدا	عقید
—	ناخدا یکم	—	—	عقید بحری

ادامه جدول ۱.

فرهنگ نوین	فرهنگ مترجم	فرهنگ اصطلاحات معاصر	فرهنگ قیم	فرهنگ آذرنوش	واژه‌نامه‌ها و اصطلاحات
سرهنگ دو	سرهنگ دو	سرهنگ دو	سرگرد (در مصر و سوریه)/ سرهنگ دوم (در عراق)	سرهنگ دوم (عراق)/ سرگرد (مصر و سوریه)	مقدم
—	—	—	—	—	مقدم بحری
سرگرد	سرگرد	سرگرد	سرگرد	سرگرد	رائد
—	ناخدا سوم	ناخدا سوم	—	—	رائد بحری
—	سروان	سروان	سروان/ ناویان	سروان	تقیب
—	ناویان یکم	کاپتان	—	افسر نیروی دریایی	تقیب بحری
ستوان یک	ستوان یکم	ستوان یک	ستوان یکم	ستوان یکم	ملازم اول
—	—	—	—	—	ملازم اول بحری
—	ستوان	ستوان	ستوان	ستوان (مصر، تونس)	ملازم
—	—	—	—	—	ملازم بحری
—	گروهان یکم	گروهان یکم	سرگروهان/ گروهان یکم	تقریباً سرگروهان/ گروهان یکم	رقیب اول
گرمه/ نگهبان	گروهان	گروهان	گروهان	گروهان	رقیب
—	سرجوخه / گروهان	گروهان یکم/ سرجوخه	سرجوخه	گروهان (عراق)/ سرجوخه (امارات)	عریف
—	هم‌ردیف سرجوخه/ سرباز یکم	گروهان سوم	—	سرباز یکم (عراق و سوریه)	جندی اول
سرباز	سرباز	—	سرباز	سرباز	جندی

فرهنگ نوین قدمت بیشتری نسبت به چهار فرهنگ دیگر داشته و بدیهی است که تمامی اصطلاحات تخصصی را از جمله نظامی پوشش ندهد. همچنین معادل‌های ارائه شده در این واژه‌نامه شاید اکنون دست‌خوش تغییر و تحول زبانی قرار گرفته باشد. با توجه به اینکه ساختار نظامی ایران و برخی کشورهای عربی در چند دهه اخیر با تغییراتی چه‌بسا کلی همراه بوده است؛ بنابراین، معادل‌یابی این اصطلاحات نیز باید مورد بررسی قرار گرفته و به‌روزرسانی شود. مثلاً معادل ارائه شده توسط مؤلف برای درجه «عقید» در آن برهه زمانی «نایب سرهنگ» بوده که اکنون این درجه در ایران نام خود را به «سرهنگ دو» تغییر داده است. همچنین برای اصطلاح «رقیب» معادل «نگهبان و گزمه» بیان شده که امروزه واژه «نگهبان» دارای معنایی مجزا بوده و همین تغییر معنایی موجب شده تا در معادل‌یابی این اصطلاح تجدیدنظر صورت بگیرد. درخصوص واژه «گزمه» باید یادآور شد که این واژه دیگر در فرهنگستان کنونی زبان فارسی جایگاهی نداشته و کاملاً منسوخ شده است. بنابراین، به‌ویژه برای معادل‌یابی اصطلاحات تخصصی هرگز نباید به واژه‌نامه‌های قدیمی اعتماد و اکتفا کرد.

نکته دیگری که از بررسی و مطابقت واژه‌نامه‌ها هویداست این است که بسیاری از فرهنگ‌ها درجات نیروی زمینی ارتش را پوشش‌دهی تقریبی داده‌اند، اما هم‌تراز این درجات در نیروی دریایی و حتی هوایی را بیان نکرده‌اند. معدود واژه‌نامه‌هایی که معادل درجات در نیروی دریایی را بیان کرده‌اند به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- فرهنگ‌لغت‌هایی که قادر به بیان معادل دقیق برای درجات نیروی دریایی نبودند؛ مانند فرهنگ آذرنوش که برای معادل «نقیب بحری» اصطلاح «افسر نیروی دریایی» را بیان کرده است و یا فرهنگ قیم که برای درجه «عمید بحری» معادل «ناخدا یکم ارشد» را در نظر گرفته است. ۲- واژه‌نامه‌هایی که حتی در بیان درجات نیروی دریایی عربی نیز دچار مشکل هستند به گونه‌ای که به پسوند «بحری» این درجات اهمیتی نداده و معادل این درجه را ضمن دایره معانی گسترده آن واژه بیان کرده‌اند. مانند فرهنگ قیم که ضمن گستره معانی واژه «نقیب» با بیان سروان و ناوبان توجهی به لفظ «بحری» در انتهای درجه نداشته و حتی معادل ارائه شده از جانب این مؤلف برای این درجه نیز صحیح نیست؛ چراکه همان طور که بیان شد هم‌تراز درجه سروانی در نیروی دریایی ارتش «ناوسروان» است و ناوبان به درجه پایین‌تر از ناوسروان اطلاق می‌شود.

یکی دیگر از اشتباهات بزرگ مؤلفان معادل‌یابی القابی مانند «جنرال» یا «آدمیرال» است؛ نکته بسیار مهمی که در معادل‌یابی این گونه القاب باید مورد نظر و توجه قرار داد، این است که این درجه معمولاً در ارتش‌های اروپایی به بالاترین مقام نظامی نیروی زمینی، هوایی و دریایی ارتش اعطا می‌شود، اما به مرور تبدیل به لقب احترام‌آمیزی شدند که برای خطاب درجات «سرتیپی»^۱ تا «ارتشبدی»^۲ به فرمانده مربوطه اطلاق می‌شود و نمی‌توان گفت که این الفاظ در زبان فارسی یا حتی عربی معادل یک درجه خاص است؛ درست مانند لقب «امیر» در ارتش، «سردار» در سپاه و نیروی انتظامی و «آدمیرال» در نیروی دریایی. معادل‌های ارائه شده توسط مؤلف فرهنگ مترجم برای واژه «آدمیرال» صحیح نیست؛ زیرا به عنوان بالاترین درجه نظامی معادل «دریابد» است؛ درحالی‌که این مؤلف این درجه را برای معادل «فریق بحری» که در واقع «دریاسالار» است، بیان کرده است. همچنین ترکیب «امیر البحر» که مؤلف به‌عنوان معادل این اصطلاح بیان کرده نیز دیگر نه در ارتش کشورهای عربی مرسوم است و نه در ارتش ایران کاربرد دارد.

۲-۶. بررسی معادل‌یابی واژه‌نامه‌های تخصصی نظامی

اینک به بررسی پنج واژه‌نامه تخصصی نظامی می‌پردازیم که از میان آن سه واژه‌نامه تألیف افراد وابسته به نیروهای مسلح بوده^۳ و دو واژه‌نامه نیز فقط تألیف اهل زبان است^۴. جدول (۲) شامل اصلاحات معادل‌یابی شده درجات نظامی در واژه‌نامه‌های نظامی از منابع مورد اشاره است.

1. Brigadier General

2. General

۳. فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت‌زبانه) تألیف گروهی از مؤلفین به سرپرستی سید حسین حسینی و در دانشگاه تربیت پاسدار امام حسین (ع)، فرهنگ اصطلاحات نظامی (معجم المصطلحات العسکرية) به تألیف سرتیپ ستاد محمد مهدی امامی و فرهنگ جامع اصطلاحات و واژگان نظامی فارسی-عربی اثر محمد اصغری و فخرالله آزاد و در مرکز آموزشی شهید دستواره به تألیف رسیده است.

۴. فرهنگ اصطلاحات نظامی عربی-فارسی اثر تحسین طبیعت‌شناس، سردبیر بازنشسته خبرگزاری ایرنا در انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم، و فرهنگ اصطلاحات معاصر که در شش حیطه گوناگون به تألیف فرهاد رجبی نوش‌آبادی عضو هیأت علمی دانشگاه اراک گردآوری شده است که اصطلاحات نظامی یکی از ابواب شش‌گانه آن به‌شمار می‌رود.

جدول ۲. اصطلاحات معادل‌یابی شده درجات نظامی در واژه‌نامه‌های نظامی

فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت زبانه)	فرهنگ اصطلاحات نظامی (طبیعت‌شناس)	فرهنگ جامع اصطلاحات و واژگان نظامی	فرهنگ اصطلاحات نظامی (امامی)	فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت زبانه)	واژه‌نامه‌ها و اصطلاحات
ارتشبد / مارشال	ارتشبد / مارشال	ارتشبد	فیلد مارشال	ژنرال نیروی زمینی / ژنرال نیروی هوایی	مشیر
ارتشبد	ارتشبد	ارتشبد	ارتشبد	ژنرال / ارتشبد	فریق اول
—	دریابد	دریابد دریایی	دریابد	دریابان	فریق اول بحری
سپهبد	سپهبد	سپهبد	سپهبد	تیمسار سپهبد	فریق
—	دریاسالار	—	—	دریابان	فریق بحری
سرلشکر	سرلشکر / سرلشگر	سرلشگر	سرلشگر	تیمسار سرلشکر	لواء
—	دریابان	دریابان	دریابان	دریادار	لواء بحری
ژنرال / سرتیپ / سردار	سرتیپ	سرتیپ	سرتیپ	تیمسار سرتیپ	عمید
—	دریادار	دریادار	دریادار	—	عمید بحری
سرهنگ	سرهنگ	سرهنگ	سرهنگ	سرهنگ	عقید
ناخدا یکم	ناخدا یکم	ناخدا یکم	—	ناخدا یکم	عقید بحری
سرهنگ دوم	سرهنگ دوم	سرهنگ ۲	سرهنگ ۲	سرهنگ دوم	مقدم
ناخدا دوم	ناخدا دوم	ناخدا دوم	—	ناخدا سوم	مقدم بحری
سرگرد	سرگرد	سرگرد	سرگرد	سرگرد	رائد
ناخدا سوم	ناخدا سوم	ناخدا سوم	ناخدا سوم	ناوسروان	رائد بحری
سروان	سروان	سروان	سروان	سروان	نقیب

ادامه جدول ۲.

فرهنگ اصطلاحات معاصر	فرهنگ اصطلاحات نظامی (طبیعت‌شناس)	فرهنگ جامع اصطلاحات و واژگان نظامی	فرهنگ اصطلاحات نظامی (امامی)	فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت زبانه)	واژه‌نامه‌ها و اصطلاحات
—	ناوسروان	ناوسروان	—	—	تقیب بحری
—	ستوان یکم	ستوان یکم	ستوان یکم	ستوان یکم	ملازم اول
—	ناویان یکم	—	—	ناویان یکم	ملازم اول بحری
ستوان	ستوان	ستوان	ستوان	—	ملازم
—	—	—	—	ناویان یکم	ملازم بحری
گروهیان یکم	گروهیان یکم	—	گروهیان یکم	گروهیان دسته / استوار دوم / سرگروهیان	رقیب اول
گروهیان	گروهیان	—	گروهیان	گروهیان / گروهیان دوم	رقیب
گروهیان	گروهیان	—	گروهیان یکم	—	عریف
سرجوخه / گروهیان سوم	سرجوخه	—	سرباز یکم / گروهیان سوم (عراق) / سرجوخه	سرباز یکم / سرباز دوم نیروی هوایی	جندی اول
سرباز	سرباز	سرباز	سرباز	سرباز سوم نیروی هوایی	جندی

با دقت نظر در جدول اصطلاحات درجات نظامی که توسط واژه‌نامه‌های تخصصی جمع‌آوری شده است، مشخص می‌شود که معضل معادل‌یابی درجات نظامی حتی در چنین واژه‌نامه‌های تخصصی نیز به چشم می‌خورد و پیوسته مترجمان این حوزه در معادل‌یابی درجات با مشکل مواجه هستند. دلیل این چنددستگی معادل‌ها اختلاف نظر مترجمان این حوزه با یکدیگر و همچنین عدم تطابق درجات ارتش ایران و کشورهای عربی است؛ چراکه تعداد درجات ایران از کشورهای عربی بیشتر بوده و این امر موجب شده تا ناهماهنگی‌های بسیاری در زمینه معادل‌یابی این درجات به چشم بخورد. برای نمونه عده‌ای معادل «عمید» را سرتیپ دانسته، عده دیگری آن را معادل «سرلشکر» می‌خوانند و گروه دیگری معتقدند بنا بر ناهماهنگی تعداد درجات و در نظر گرفتن جایگاه لشکری فرماندهان ناگزیر باید این درجه را «سرتیپ» و یا «سرلشکر» ترجمه کنند.

عدم دقت و آگاهی در خصوص معانی برخی اصطلاحات نظامی سبب شده تا مؤلفان معادلی را برای اصطلاح عربی برگزینند که اصلاً ارتباطی با آن واژه ندارد. به‌عنوان نمونه معادل‌یابی رجبی برای درجه «عمید» قابل اشاره است. وی برای این اصطلاح سه معادل تقریبی بیان کرده است: ژنرال، سرتیپ و سردار.

دقت در معادل انتخابی فرهنگ هفت‌زبانه برای درجه «عمید»، «لواء» و «فریق» حاکی است که پیش از هر یک از معادل‌های این درجات، نویسنده برای آن پیشنهاد «تیمسار» به کار برده است؛ این لقب، عنوانی احترام‌آمیز تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی بود که به نظامیان اطلاق می‌شد. علاوه بر این، این لقب امروزه دیگر کاربردی ندارد و به کل منسوخ شده است، اما همچنان در فرهنگ اصطلاحات نظامی به چشم می‌خورد.

نکته جالب توجه در گردآوردگان فرهنگ‌های عمومی و حتی برخی فرهنگ‌های نظامی تخصصی این است که اصطلاحاتی را که در ساختار و سازمان کشورهای عربی وجود ندارد، ضمن اصطلاحات ارتش این کشورها گنجانده‌اند؛ مثلاً درجه «ستوان دوم» بر خلاف ایران در ارتش کشورهای عربی وجود ندارد. مؤلفان فرهنگ‌های عمومی آن را ضمن اصطلاحات خود بیان کرده و معادل تقریبی آن را «ملازم ثان» مدنظر گرفته‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در شیوه معادل‌یابی اصطلاحات درجات نظامی در فرهنگ لغت‌های عمومی، روشن شد که این واژه‌نامه‌ها برای استناد مراجع قابل اعتمادی نیستند؛ به دلیل اینکه اولاً گستره واژگانی تخصصی (در این بحث، اصطلاحات درجات نظامی) این واژه‌نامه‌ها بسیار اندک بوده و ثانیاً بیش از نیمی از اصطلاحات و واژگان تخصصی بیان شده در چنین منابعی نه از طریق معادل‌یابی اصولی که تنها لفظ به لفظ ترجمه شده‌اند و کمکی به مترجمان نخواهند کرد؛ زیرا مؤلفان این مراجع دانش کافی از حیطه‌های تخصصی چون اقتصادی، حقوقی، نظامی و... ندارند.

واژه‌نامه‌های تخصصی نظامی دامنه پوشش‌دهی اصطلاحاتی بیشتری نسبت به واژه‌نامه‌های عمومی دارند، اما باید توجه داشت مؤلفانی که جزو افراد وابسته به نیروهای مسلح هستند نیز اطلاعات قابل قبولی از مقولات نظامی - دفاعی - امنیتی کشور خود و سایر کشورها دارند، اما نقصان اطلاعات زبانی ایشان باعث شده که نتوانند در برخی اصطلاحات معادل‌یابی دقیق کنند.

اگر درجه‌ای دارای معادل در زبان مقصد بود، بهتر است که برای فهم بهتر مخاطب از درجه هم‌تراز آن در کشور استفاده شود. مانند ترجمه «النقیب» به عنوان «سروان». از این رو، شناخت فرهنگ و ساختار سیاسی - دفاعی کشور زبان هدف، امری بسیار ضروری و تعیین کننده است و تاثیر بسزایی در روند و کیفیت ترجمه خواهد داشت.

واژگانی که در زبان هدف بدون معادل هستند عموماً به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند؛ مانند «ملازم ثان» = «ستوان دوم» یا در فرهنگ آذرنوش برای درجه «سرلشکر» در کشور عراق، معادل «فریق ثان» بیان شده در حالی که در کل تاریخ ارتش عراق به هیچ عنوان چنین درجه‌ای وجود نداشته است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Fateme Zarei  <https://orcid.org/0000-0002-0284-5096>
Ali Afzali  <https://orcid.org/0000-0002-1261-6780>
Shahryar Niazi  <https://orcid.org/0000-0002-5157-0009>

منابع

- أبو بكر الزيداني، صلاح الدين. (۲۰۱۴م). منظومة الرتب العسكرية العالمية. طرابلس: مجلة المسلح.
- احمدی‌نسب، فاطمه و ارسطوپور، شعله. (۱۳۹۴). بررسی فرآیندهای واژه‌گزینی اصطلاح‌ها و واژگان تخصصی حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی. پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی، مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۵(۲)، ۲۴۵-۲۶۲.
- اصغری، محمد و آزاد، فخرالله. (۱۳۹۷). فرهنگ جامع اصطلاحات و واژگان نظامی فارسی-عربی (القبايي موضوعي). تهران: تراشه دانش.
- امامی، محمد مهدی. (۱۳۶۰). فرهنگ اصطلاحات نظامی عربی-فارسی. تهران: ارتش جمهوری اسلامی ایران، ستاد مشترک اداره دوم.
- آذر نوش، آذرتاش. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر عربی-فارسی. تهران: نشر نی.
- آیین‌نامه انضباطی نیروهای مسلح. (۱۳۶۶). پایگاه اینترنتی سازمان قضایی نیروهای مسلح.
- باتمان قلیچ، محمد حسین. (۱۳۹۶). فرهنگ مترجم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- البيطار، فراس. (۲۰۰۳م). الموسوعة السياسية والعسكرية. عمان الأردن: دار الأسماء.
- حسینی، سید حسین. (۱۳۷۹). فرهنگ اصطلاحات نظامی (هفت زبانه). تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تربیت پاسدار امام حسین (ع).
- حسینی، سید حسین. (۱۳۷۳). شناخت سازمان نظامی: نگرش جامعه‌شناسی. سیاست دفاعی، (۷ و ۸)، فاقد شماره صفحه.
- حری، ابوالفضل. (۱۳۹۱). نگاهی به شیوه‌های داستان پردازی در هزار و یک شب نوشته دیوید پینالت. کتاب ماه ادبیات، (۶۲)، ۸۰-۸۱.
- رجبی نوش آبادی، فرهاد. (۱۳۹۳). فرهنگ اصطلاحات معاصر. قم: ذوی القربی.
- رستمی، محمود. (۱۳۸۶). فرهنگ واژه‌های نظامی. تهران: ایران سبز.
- صیادانی، علی، بازیار، رسول و کاری، الهام. (۱۳۹۲). چالش‌های معادلیابی اصطلاحات ساختار و ساختارگرایی در قاموس‌های لغوی و پژوهش‌های نوین عربی. پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۳(۹)، ۳۷-۵۴.
- طباطبایی، سید مصطفی. (۱۳۸۴). فرهنگ نوین عربی-فارسی. تهران: اسلامیه.

- طبیعت‌شناس، تحسین. (۱۳۷۴). *فرهنگ اصطلاحات نظامی (عربی-فارسی)*. تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- قیم، عبدالنبی. (۱۳۹۳). *فرهنگ معاصر عربی-فارسی*. تهران: فرهنگ معاصر.
- کامگاری، منصور. (۱۳۹۵). *فرهنگ اصطلاحات نظامی و استراتژیک*. تهران: قلم کیمیا.
- گلزارخجسته، ابوذر و مسبوق، سیدمهدی. (۱۴۰۰). جستاری در فرآیند معادل‌یابی ساختارهای قسم در ترجمه قرآن. *پژوهش در آموزش زبان و ادبیات عرب*، ۴(۴)، ۷۹-۹۲.
- لفور، آندره. (۱۳۹۲). چرخش فرهنگی در مطالعات ترجمه. ترجمه مزدک بلوری. تهران: نشر قطره.
- منصوری، مهرزاد. (۱۳۸۶). معادل‌یابی واژگانی در ترجمه از منظر نشانه‌شناسی. *مطالعات ترجمه*، (۱۷)، ۴۷-۵۷.
- میرزایی، نجفعلی. (۱۳۸۸). *فرهنگ اصطلاحات معاصر: عربی-فارسی*. تهران: دارالتقلین.
- نیومارک، پیتر. (۱۳۷۲). *دوره آموزش فنون ترجمه*. ترجمه منصور فهیم و سعید سبزیان. تهران: نشر رهنما.

References

- AbuBakr al-Zaydani, S. (2014). *System of World Military Order*. Tripoli: Reinforced Magazine. [In Arabic]
- Ahmadi Nasab, F. & Arastopour, S. (2015). Investigation of Word Selection Processes of Specialized Terms and Vocabulary in the Field of Information Science and Epistemology. *Journal of Library and Information Science (Educational and Psychological Studies)*, 5(2). 245-262. [In Persian]
- Al Bitar, F. (2003). *Political and Military Encyclopedia*. Oman Jordan: Dar Al-Assamah.
- Asghari, M. & Azad, F. (2018). *Comprehensive Dictionary of Persian-Arabic Military Terms and Vocabulary (Thematic Alphabet)*. Tehran: Knowledge Chip. [In Persian]
- Azarnoosh, A. (2012). *Contemporary Arabic-Persian Culture*. Tehran: Ney Publishing. [In Persian]
- Batman Qelich, M. H. (2017). *Translator Culture*. Tehran: Mizan Legal Foundation. [In Persian]
- Catford, J. C. (1965). *A Linguistic Theory of Translation: An Essay on Applied Linguistics*. Oxford University Press.
- Disciplinary Regulations of the Armed Forces. (1987). Website of the Judiciary of the Armed Forces. [In Persian]
- Emami, M. M. (1981). *Dictionary of Arabic-Persian Military Terms*. Tehran: Army of the Islamic Republic of Iran, Joint Staff of the Second Department. [In Persian]
- Ghayyem, A. (2014). *Contemporary Arabic-Persian Culture*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]

- Golzar Khojasteh, A., & Masbouq, S. M. (2021). A Search in the Process of Finding the Equivalence of oath Structures in the Translation of the Qur'an. *Research in Teaching Arabic Language and Literature*, 4(4), 79-92. [In Persian]
- Hackett, G., & Cooperman, A., & Ritchey, K. (2015). The Future of World Religions: Populations Groth Projection, 2010-2050, Pew-templeton Global Religious Projects.
- Horri, A. (2012). A Look at the Storytelling Techniques in One Thousand and One Nights by David Pinalt. *Literature Month Book*. No. 62.
- Hosseini, H (1994). Understanding Military Organization: A Sociological Attitude. *Journal of Defense Policy*, (7&8). [In Persian]
- Hosseini, H. & the others. (2000). *Dictionary of Military Terms (seven languages)*. Tehran: Printing and Publishing Institute of Imam Hossein (AS) Revolutionary Guards University. [In Persian]
- <https://www.sedayemodafean.org/sedaye-shoma/8966/>
- <https://www.un.org/ar/our-work/official-languages>
- Jacobson, R. (1959). *On Linguistic Aspects of Translation*, in R. A. Brower (ed.) *On Translation*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Kangari, M. (2016). *Dictionary of Military and Strategic Terms*. Tehran: Qalam Kimia. [In Persian]
- Lefever, A (2013). *Cultural Rotation in Translation Studies*. Translator Mazdak Bluri. Tehran: Ghatre Publishing. [In Persian]
- Mansoori, M. (2007). Vocabulary Equivalence in Translation from a Semiotic Perspective. *Journal of Translation Studies*, (17), 47-57. [In Persian]
- Mirzaei, N. (2009). *Dictionary of Contemporary Terms: Arabic-Persian*. Tehran: Dar Al-Thaqalin. [In Persian]
- Newmark, Peter. (1993). *Translation Skills Training Course*. Translated by Mansoor Fahim & Saaed Sabzian. Tehran: Rahnama Publishing. [In Persian]
- Nida, E & Taber, C. R. (1969). *The Theory and Practice of Translation*. Leiden: E. J. Brill.
- Rajabi Noshabadi, F. (2014). *Dictionary of Contemporary Terms*. Qom: Dhu al-Qirbi. [In Persian]
- Rostami, M. (2007). *Dictionary of Military Words*. Tehran: Green Iran.
- Sayyadani, A., & Baziar, R., & Kari, E. (2013). Challenges of Equivalence of Structural and Structuralist Terms in Lexical Dictionaries and Modern Arabic Studies. *Translation Studies in Arabic Language and Literature*, 3(9), 37-54. [In Persian]

- Taabiatshenas, T. (1995). *Dictionary of Military Terms (Arabic-Persian)*. Tehran: Tarbiat Moallem University. [In Persian]
- Tabatabai, M. (2005). *New Arabic-Persian Culture*. Tehran: Islamieh. [In Persian]

استناد به این مقاله: زارعی، فاطمه، افضل‌ی، علی و نیازی، شهریار. (۱۴۰۰). آسیب‌شناسی فرآیند واژه‌گزینی درجات نظامی در واژه‌نامه‌های عربی. *دوفصلنامه پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی*، ۱۱(۲۵)، ۹۹-۱۲۴. doi: 10.22054/RCTALL.2022.67569.1620



Translation Researches in the Arabic Language and Literature is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.